

هویت جغرافیایی در شهنشاه‌نامه صبا، به مثابه مؤلفه کلان هویت ملی

* غلامعلی فلاح

E-mail: fallah@khu.ac.ir

** حبیب‌اله عباسی

E-mail: habibabbasi45@yahoo.com

*** حمید عبداللهیان

E-mail: abdollahian2002@yahoo.com

**** مسلم احمدی

E-mail: zmahmady@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۶

چکیده

عنصر اصلی احساس هویت ملی، سرزمین مشترک است. احساس تعلق به یک سرزمین همواره با ملاحظات جغرافیایی شروع می‌شود و همیشه میان دل‌بستگی به آن و احساسات جهانی نوعی تعارض و کشمکش وجود دارد که نقش هویت ملی را آشکارتر می‌کند. تعرض به مرزهای هویتی ایران، در پی جنگ‌های ایران و روس، در شمار مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر است. شهنشاه‌نامه صبا به‌عنوان اثری شاخص در این برهه حساس شکل می‌گیرد. در این پژوهش میزان توجه صبا به مرزهای ایران و حساسیت وی، نسبت به هویت جغرافیایی را با روش تحلیلی توصیفی و با رویکرد تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار می‌دهیم. بسامد بالای واژه مرز در شهنشاه‌نامه و تأکید صبا روی شهرهای مرزی ایران - همراه با تأسف وی نسبت به شکست ایرانیان در جبهه‌های مرزی یا تعصب نسبت به پیروزی‌های عباس‌میرزا - نشان می‌دهد میزان بازتولید مؤلفه‌های هویت جغرافیایی در این اثر به مراتب از سایر مؤلفه‌های هویت ملی بالاتر است.

کلید واژه‌ها: شهنشاه‌نامه، هویت ملی، هویت جغرافیایی، صبا، مرز

* استاد دانشگاه خوارزمی تهران

** استاد دانشگاه خوارزمی تهران

*** دانشیار دانشگاه اراک

**** دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده‌ی مسؤل

مقدمه

هویت به معنی چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن به چیزی یا جایی بر می آید (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۰۱). هویت به عنوان مفهوم و پدیده‌ای چندوجهی توجه صاحب نظران رشته‌های علمی بسیاری را طی سالیان اخیر به خود جلب کرده است (سیمون، ۲۰۰۴: ۳). هویت سطوح و کارکردهایی مختلفی دارد. کاستلز هویت را به معنای هستی یک فرد، گروه، جامعه، ملت و فرایند ساخته شدن معنا، بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، می‌داند (کاستلز، ۱۹۹۷: ۷). در این میان شناخت عناصر هویت‌ساز و هویت‌بخش در آثار ادبی ما که خود بخشی از فرهنگ یک ملت به حساب می‌آیند، می‌تواند عاملی برای شناخت میراث سرزمین، تاریخ آن و جلوگیری از تقلید از بیگانگان شود.

شاید از نخستین آثاری که به نوعی مفهوم هویت در آن مطرح می‌گردد، شاهنامه است. بخش نخست شاهنامه «اصل و اساس هویت ایرانی» را در اساطیر، یعنی در ژرفای آگاهی جمعی اقوام ایرانی نشان می‌دهد (اشرف، ۱۳۷۳: ۸). پس از فردوسی حماسه‌های فراوانی به وجود آمد که هر کدام از دوره وجودی خود، کارکردی اجتماعی یا حتی سیاسی داشته‌اند. از اسدی توسی (م ۴۶۵ق)، نظامی گنجوی (م ۶۱۴ق) و سعدی شیرازی (م ۶۸۱ق) تا فتحعلی خان صبا (م ۱۲۳۸ق)، خالق شهنشاها که کوشیده‌اند، آثاری به تقلید از شاهنامه خلق کنند، لیکن نتوانسته‌اند آن‌طور که باید به شعر حماسی فردوسی نزدیک شوند. از طرفی باید دانست که دیدگاه هویتی شاعران و رویکرد آنان، همواره در لابلای ابیاتشان مستتر است. از این‌رو شناخت نگاه آنها به هویت ایرانی نیاز به واکاوی و تحلیل دارد. گرچه شهنشاها صبا از نظر پختگی کلام، شیوه‌های توصیف، زیبایی‌های ادبی و لطایف بدیعی، چندان قابل قیاس با شاهنامه فردوسی نیست، اما می‌تواند در ادبیات دوره قاجار، در ردیف آثار مهم در تبیین هویت ملی قرار گیرد. بنابراین می‌توان با بررسی و پژوهش در آن، انعکاس الگوها و مؤلفه‌های هویت ملی را بازشناسی و بازتولید کرد. درحالی‌که سلسله جنگ‌های ایران و روس تهدیدی برای هویت ملی ایرانیان بود، شهنشاها صبا به عنوان اثری شاخص در این برهه‌ی حساس تاریخی شکل گرفت. اثری که از میان آثار منظومی که درباره جنگ‌های ایران و روس پدید آمده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مقاله پیش‌رو، تبیین مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی جغرافیایی را مد نظر دارد و نویسندگان بر این باورند که شهنشاها صبا می‌تواند نقطه اشتراک مؤلفه‌های هویت جغرافیایی و شعر حماسی دوران قاجار باشد.

با توجه به تهدید هویت جغرافیایی وطن و تغییراتی که بر جغرافیای ایران تحمیل شده و حساسیت شاعران این دوره را به جغرافیای هویتی و ملی برانگیخته است، مقاله حاضر بر آن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد: هویت جغرافیایی چیست؟ مؤلفه‌های آن کدامند؟ حساسیت صبا روی این مؤلفه‌ها تا چه اندازه بوده و شهنشاهنامه تا چه حد آنها را پوشش می‌دهد؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی است و از نوع پژوهش‌هایی است که مقدمات و اطلاعات اولیه آن با روش تحلیلی بررسی شده است. در تهیه اطلاعات مورد نظر، از منابع کتابخانه‌ای فارسی و انگلیسی استفاده شده و گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری انجام گرفته است. اطلاعات به دست آمده از فیش‌ها بررسی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

کاربرد نظریه هویت ملی، در حوزه زبان و ادبیات فارسی کاربردهای متنوعی دارد. از آن جمله می‌توان به کتاب *هویت ملی و زبان فارسی* از خانم نگار داوری اردکانی اشاره کرد که البته به حوزه‌های تخصصی هویت، ورودی نداشته است. هم‌چنین حسین آبادیان در مقاله «مؤلفه‌های هویت ملی در برخی آثار مکتوب نیمه نخست دوره قاجار»، اشاره‌ای مختصر به جغرافیای ایران و هویت ملی کرده که البته آثار صبا در حیطه تحقیقات وی قرار ندارد. نیز طاهری خسروشاهی کتابی تحت عنوان *فصل‌های تاریکی جنگ‌های روس با ایران در شعر فارسی* داشته که البته وارد مقوله هویت نشده است. هدایت‌اله بهبودی نیز در رساله‌ای کم‌حجم تحت عنوان *ادبیات در جنگ‌های ایران و روس*، به صورت جدی، مسأله بازتاب جنگ‌های ایران و روس در شعر فارسی را بررسی کرده است. با این وصف، اثری یافت نشد که به‌طور مستقل، به بررسی هویت جغرافیایی در دوره قاجار و به‌ویژه کتاب *شهنشاهنامه* بپردازد.

مباحث نظری پژوهش

۱- هویت ملی

آنتونی اسمیت هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر دایم الگوی ارزش‌ها، نمادها،

خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی می‌داند که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش صورت‌پذیر است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵). ریچارد جنکینز از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی، هویت را درک ما از این‌که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر از ما چیست، می‌داند (جنکینز، ۱۳۸۳: ۲۵).

هویت ملی از انواع هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و احساس وفاداری به آن است. هویت ملی در کشاکش تصور «ما» از «دیگران» شکل می‌گیرد: ایران و انیران، عجم در برابر عرب، ایران در برابر توران و تاجیک در برابر ترک (اشرف، ۱۳۷۳: ۵۲۱). این واژه، نخستین بار با انتشار کتابی به نام «جماعت تنها» در سال ۱۹۵۰ میلادی و سپس با انتشار کتاب دیگری در سال ۱۹۶۰ به نام «هویت اضطراب» مطرح شد (کریمی و همکاران، ۱۳۶۸: ۱۲). نظریه‌پردازان هویت اجتماعی، ملت و ملیت واژه‌های جدیدی می‌دانند که پس از پیدایش دولت‌های اروپایی، پس از انقلاب صنعتی و گسترش احساسات ناسیونالیستی وارد واژگان علوم اجتماعی شده است ... هویت ملی و احساس تعلق به آن از دو چیز ناشی می‌شود: وجود یک واحد سرزمینی شناخته شده و دولت یا نظام سیاسی که رهبری این واحد را به عهده دارد (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۴). در دسته‌بندی‌های مفهوم هویت، هویت ملی بالاترین و مهم‌ترین نوع هویت است و به مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، زبانی، قومی، دینی، فردی و ... گفته می‌شود که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و اعضای جامعه به آن می‌بالند و به آن افتخار می‌کنند (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۱).

۲- هویت جغرافیایی

اصولاً هویت ملی در درجه نخست زائیده‌ی محیط جغرافیایی متعلق به هر ملت است و ضروری است هر ملتی یک سرزمین مادی داشته باشد (میلر، ۸۳: ۵۹). این‌که میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور چقدر است، بسیار مهم می‌باشد (حاجیانی، ۷۹: ۸۹۱). شاید بتوان گفت «سرزمین» که وجود آن با هستی و نیستی کیان ایرانی پیوند دارد، در میراث ادبی تاریخی و مذهبی ایران از دوره باستان شاخص‌ترین ویژگی و نشان هویت ایرانی قلمداد شده است (مسکوب، ۱۳۷۹: ۱۵). همین عنصر سرزمینی است که اساس و بنیان مفهوم وطن را در ادبیات فارسی به وجود آورده است. برخلاف

دیدگاه‌های پست مدرن یا نگاه‌های ایدئولوژیک قوم‌گرایانه، ایران به مثابه یک مفهوم جغرافیایی و یا به مفهوم کشور مخلوق دوران مدرن نیست، بلکه از دیربگام یک پدیده سرزمینی را تداعی می‌کرده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸۲).

پس از طی دوره جامعه پیشامدرن ایران، این جامعه با دوره مدرن ناسیونالیسم مواجه شده و به واسطه‌ی علاقه‌های قومی و سرزمین، تاریخ و رویدادهای منحصر به آن، به دنبال به وجود آوردن نوعی هویت مدرن ایرانی برآمد. به وجود آمدن واژگانی همچون ملت، ملیت، میهن یا سرزمین مادری در دوران مدرنیته رایج شد (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۰۸). ورود اندیشه ملی‌گرایی در ایران به دوران پیش از مشروطیت باز می‌گردد. این ملی‌گرایی به منظور کسب آزادی‌های فردی و قانونی، سرلوحه‌ی اقدامات مشروطه‌خواهان و اصلاح‌طلبان دوره قاجار بود (وطن‌دوست و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۰۰). دوره قاجار در واقع، نقطه آغاز برخورد ایران با دنیای خارج محسوب می‌شد. در اثر این برخورد و براساس نظریه هویت اجتماعی جنکینز، وجوه تمایز و تفارق «خود» از «دیگری» برجسته شد (جنکینز، ۱۳۸۳: ۳۰). هویت جغرافیایی دو عنصر مهم و قابل توجه دارد: ۱- سرزمین ۲- مرز.

۱-۲- سرزمین

باید گفت که عنصر سرزمین اصلی‌ترین مؤلفه جغرافیایی هویت ملی است. سرزمین اهمیت ویژه‌ای در مطالعات جغرافیایی دارد و انسان بدون آن در ابراز هویت خود موفق نیست (محرابی، ۱۳۸۵: ۲۱). هیچ مردمی بدون داشتن سرزمینی خاص، به‌عنوان یک ملت شناخته نمی‌شوند (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). سرزمین در بحث‌های نظری مربوط به هویت ملی، یکی از مهم‌ترین عناصر شکل دهنده هویت ملی در نظر گرفته شده است. هایدگر فیلسوف برجسته قرن بیستم نیز برای سرزمین به‌عنوان عنصر مهم هویت ملی، نقش محوری قائل است ... وی هویت را به واسطه پیوند هستی‌شناختی انسان به خاک و ریشه‌های بومی‌اش تعریف کرده و قطع شدن این ریشه‌ها را سبب بی‌خانمانی و بحران هویت در انسان می‌داند (معینی‌علمداری، ۱۳۸۱: ۱۳). بنابراین می‌توان گفت محیط و عوامل جغرافیایی یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی است که به‌صورت بستری برای شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های هویت ملی عمل و سرانجام حس هم‌گرایی ملی را در میان افراد جامعه ایجاد می‌کند. مهم‌ترین نقش سرزمین در این مقوله، هویت‌سازی و تداوم بخشیدن به موضوع هویت ملی است. در واقع یکی از علل هویت‌سازی سرزمین را می‌توان در مرزپذیر بودن، قابل تحدید بودن و ثبات داشتن آن دانست.

نظریه‌پردازان مختلف برآنند که انسان هنگامی احساس تداوم و پایداری می‌کند که در زندگی خود مرجع‌هایی ثابت و پایدار داشته باشد. مکان و سرزمین از جمله بهترین تأمین‌کننده‌های این‌گونه مرجع‌ها و دست‌آویزها هستند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۵۶). راتزل درباره نقش سرزمین در شکل‌گیری هویت ملی تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید شکل‌گیری هر ملت محصول پیوند عاطفی با سرزمین است (مویر، ۱۳۷۹: ۳۲).

۲-۲- مرز

مرزها حدود ملت‌ها و کشورها را مشخص کرده و بنابراین معرف کشور - ملت‌ها هستند. مرزها به‌طور هم‌زمان، ابزار سیاست کشور، تجلی و وسیله قدرت دولت و تعیین‌کننده‌ی هویت ملی هستند (اندرسون، ۱۹۹۶: ۲۵). بسیاری از کارکردهای مرز به ویژگی هویت‌ساز بودن مرزهای جغرافیایی برمی‌گردد. بنابراین احساس متمایز بودن از دیگران، همانند جزء جدایی‌ناپذیر هویت، نیازمند وجود مرزهای پایدار و کم و بیش نفوذناپذیر است.

از نظر تاریخی مرزهای جغرافیایی ایران، از سرحدات کنونی کشور فراتر رفته و گستره‌ی جغرافیایی پهناوری را در غرب آسیا دربرگرفته است و پژوهشگران، گاه از آن به نام «ایران بزرگ» یاد می‌کنند. منظور از ایران بزرگ، همه سرزمین‌هایی است که از دیرباز تا امروز همه‌ی تیره‌های ایرانی‌نژاد و ایرانی‌زبان در آن می‌زیسته و می‌زیند (سرکاراتی، ۱۳۸۴: ۴۴). قلمرو جغرافیایی ایران در ابتدای دوره قاجار، براساس شعر آذربیکدلی، از کرمان تا دجله و از عمان تا دربند باکو گسترده بود (آذربیکدلی، ۱۳۷۸: ۸۲۰). «در دوره اول قاجار، شکست ایران از روسیه تزاری، بنابر مفاد قرارداد ترکمن‌چای، موجب از دست رفتن بخش درخور توجهی از هویت جغرافیایی ایران و واگذاری هفده شهر قفقازیه به کفره‌ی روسیه شد و براساس معاهده‌ی پاریس در اواخر دوره‌ی محمدشاه نیز افغانستان از ایران تفکیک شد که این مسأله به معنای وقوع بحران‌های جدی در هویت جغرافیایی تلقی می‌شود. ازسوی دیگر، ماهیت قدرت سیاسی و عامل هویت‌ساز آن نیز بر اثر مواجهه با تحولات عصر مدرن اروپا با موانع و مشکلات فراوان همراه بود که این امر هویت سیاسی را تحت تأثیر قرارداد بود.» (احمدزاده، ۱۳۹۳: ۹). روی‌هم‌رفته حدود مرزهای ایران در پایان دوره قاجار براساس این معاهدات تعیین شد: مرز شمالی با قرارداد ترکمن‌چای و گلستان؛ مرز غربی طبق معاهده ارزروم دوم؛ مرز شرقی براساس معاهده پاریس و حکمیت اول و دوم گلد اسمیت و مرز شمال شرقی بر طبق پیمان آخال (نجفی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

۳- ادبیات و هویت

باید گفت که ادبیات، گسترده‌ترین افق فرهنگی است که در خلال گزارش‌های آن می‌توان مؤلفه‌های اصلی هویت را از سرنوشت انسان در اجتماع که همچون کارکردهای معین به ظهور می‌رسد، بازشناخت. مؤلفه‌های پربسامد هویت ایرانی، یعنی ویژگی‌های اصلی و بن‌مایه‌های فرهنگی ایرانی، در انواع ادبی با ساختارهای متفاوت، به صورت مشابه ظاهر می‌شود (رستگارفسائی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۹). میراث فرهنگی سرزمین ما، در گذشته پرتلاطم ایران، شاهد فراوانی نقاط تلاقی این دو محیط ادبی و اجتماعی خود بوده است. یکی از نقطه‌های برخورد، پشت خاکریز پر حادثه نیمه اول قرن سیزدهم جای گرفته، یعنی زمانی که تجاوزات پردامنه روسیه به ایران آغاز شد و دست ادبیات این دوره را در دست جامعه نیازمند ایران گذاشت (بهبودی، ۱۳۷۱: ۲۰).

هنگام این جنگ‌ها «حب‌وطن» بیش از پیش به آثار شاعران و نویسندگان این دوره راه یافت و قلمرو جغرافیایی کشور، موطن کسانی خوانده شد که هویت ایرانی دارند. این مضمون در آثار دوره‌های بعد، بیش از پیش برجسته و برای از دست رفتن بخشی از این موطن اشعار حسرت بار سروده شد (طاهری‌خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

بدون تردید جنگ‌های ایران و روس برجسته‌ترین حادثه دوران‌ساز این دوره تاریخی است. دو جنگ خونین و تاریخ‌ساز ایران و روسیه، سرآغازی برای ورود اندیشه‌های جدید وطن‌گرایی در شعر فارسی و نیز صدور فتاوی‌های جهادی (۱) توسط علما در این دوره شد. شاعران در این مقطع تاریخی، با آوردن مضامین ملی در شعر، از جمله جدایی دردناک شهرهای قفقاز از وطن، تحریک و تهییج هویت ملی ایرانی، حسرت‌ها و دردهای تجاوز روس به ایران، دلاوری سربازان ایران، خصوصاً عباس میرزای ولیعهد و فرمانده سپاهیان ایران در جنگ، فصل جدیدی از ادبیات حماسی را در ادبیات ایران پدید آوردند و شاید همین مضامین، بعدها دست‌مایه‌ی شاعران دوره مشروطه شدند. اهمیت کار شاعرانی که در این برهه از تاریخ ایران به شعر جهادی و ضد اشغالگری روی آوردند، زمانی مشخص می‌شود که بدانیم «فرهنگ و ادب ایران در دوره قاجار و قبل از آن به تقلید و ابتذال گراییده بود و حتی در دوره قاجار با پدید آمدن سبک بازگشت که در حقیقت تقلید از دوره‌های گذشته بود، آخرین نفس‌های خود را در جدایی از مردم و جامعه می‌کشید» (بهبودی، ۱۳۷۱: ۳۵). صبا از جمله این شاعران بود که در اثر خود، *شه‌شاه‌نامه* به این مضامین پرداخت. بسامد کلمه «مرز» در *شه‌شاه‌نامه* فراوان است. به نظر می‌رسد حساسیت بالای صبا روی این مقوله،

مبیین اهمیت حفظ جغرافیای وطن و نگاه وی به هویت جغرافیایی است. به همین انگیزه، مؤلفه هویت جغرافیایی، به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های هویتی دوره قاجار، زمینه تحقیق، در این پژوهش قرار گرفته است.

هویت جغرافیایی در شهنشاهنامه صبا

۵-۱- صبا و شهنشاهنامه

فتحعلی خان صبا یکی از معروف ترین و به بیانی بزرگترین شاعر دوره جنگ های ایران و روس است. حمیدی شیرازی معتقد است «ظهور او مکتب دوره صفوی را به هم زد و هرج و مرج و آشوب را که در کشور سخن حکم روایی داشته، ریشه کن ساخته است» (حمیدی شیرازی، ۱۳۶۴: ۱۹). برخی از پژوهشگران روایت های صبا در باب جنگ های ایران و روس را معتبر می دانند؛ چرا که وی به چشم خویش شاهد آن حوادث بوده است. شاید همین امر، دست کم در نقل پاره ای از اتفاقات در مثنوی خود، شهنشاهنامه، در واقع گرایی او بی تأثیر نبوده است (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۱۲۶). شهنشاهنامه، مفصل ترین مثنوی صبا در باب فتوحات شاه و جنگ های روس با ایران است و تعداد ابیات آن را از پنج هزار تا چهل هزار بیت گفته اند (طاهری خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). رضازاده شفقی و یحیی آرین پور این اثر را «مهم ترین مثنوی فتحعلی خان صبا» و زین العابدین مؤتمن آن را «معروف ترین مثنوی تاریخ قاجار» می دانند (۲).

صبا تکرار دوباره تاریخ دوران فردوسی بزرگ و تعرض به هویت ملی ایرانیان را شاهد بوده و با الهام و تأثیر از او اقدام به سرایش این اثر کرده است. وی روس ها را ادامه انیران (تورانیان) می داند. شاعر در شرایط زیستی خود و فردوسی شباهت هایی را لمس کرده و با سرودن یک اثر حماسی، سعی در بازسازی هویت ملی ایرانیان، داشته است. وی در شهنشاهنامه، عباس میرزا را شخصیتی آرمانی معرفی کرده که همیشه برای دفاع از ایران آماده است. او به غیر از نام و دادورزی و وطن دوستی به چیز دیگری نمی اندیشد. در تمامی جنگ های ایران و روس آماده بوده و هرگاه کشور مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته است، بی درنگ برای جنگ حاضر می شود. از این رو عباس میرزا در شهنشاهنامه، همانند رستم در شاهنامه فردوسی، به عنوان کمال سلحشوری و الگوی هویت فردی قابل لمس برای ایرانیان معرفی می شود. وی تمام عمر خود را صرف صیانت و دفاع از مرزهای جغرافیایی و هویتی ایران زمین کرد و در زمانی که دشمن تجاوزگری چون روس، به وطن دست درازی می کند همواره در طرد قوای روس،

تجاوزگری که در هجوم به مرزهای ایران سابقه‌ای طولانی دارد، جان‌فشانی کرده و جان و مال و عمر خود را صرف پاسداری از مرزهای ایران می‌کند. اگرچه به روال سنت قصیده‌سرایی در شعر فارسی، مضمون عمده قصاید صبا، مدح پادشاه و توصیف نایب‌السلطنه عباس میرزاست، لکن وقوع جنگ‌های روس و ایران در دوران حیات شاعری صبا، موجب شد تا معیار حاکم بر ارزش‌های شعری او در قصاید، مربوط به مدح پادشاه و شرح دلاوری شاه در جنگ و توصیف شجاعت و کشورگشایی ممدوح باشد.

۲- نخستین برخورد و زمینه‌های تجاوز

براساس مطالعات و شواهد تاریخی، نخستین برخورد روس‌ها با ایران دشمنانه بوده است. جمالزاده در کتاب «تاریخ روابط روس و ایران» از قول محمدبن اسفندیار، مؤلف تاریخ طبرستان، اولین روابط روس‌ها با ایرانیان را «تجاوزگرانه» و مربوط به قرن سوم می‌داند (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۲۰). دومین هجوم روس در سال ۲۹۸ هجری، سومین حمله به سال ۳۰۱ هجری و چهارمین حمله در سال ۳۳۲ هجری، رخ داده است (کسروی، ۲۵۳۷: ۸۵). درخصوص چهارمین هجوم روس‌ها به خاک ایران، اسناد مهم و متعددی وجود دارد که از آن جمله می‌توان از الکامل فی‌التاریخ ابن‌اثیر و زبده‌التواریخ حافظ ابرو نام برد (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۳۵). (۳)

در یکی از ماه‌های سال ۱۲۱۸ قمری، سیسیانف، سردار روس، به دستور الکساندر اول، به شهر گنجه از شهرهای مهم و سوق‌الجیشی ایران تاخت و گنجه به محاصره نیروهای روس درآمد (شمیم، ۱۳۸۴: ۸۶ و نجمی، ۱۳۷۷: ۶۵) و بدین‌سان دوره اول جنگ‌های روس با ایران آغاز شده، شهر گنجه، که از حیث تاریخ و ادب، یکی از محافل پر رونق فرهنگ ایرانی و شعر فارسی و خاستگاه بزرگانی چون نظامی گنجوی بود، سقوط کرد. این شهر تحت سیطره امپراتور روس درآمد و روس‌ها بلافاصله نام این شهر را به «الیزابت‌پل» تغییر دادند. ایرانیان به یاد جنایات و خونریزی‌های ناجوانمردانه سیسیانف به او لقب «ایشپُخدر» دادند.

۳- مرزهای مورد تجاوز در شهنشاهنامه

یکی از مسائل مهمی که صبا در ضمن سرودن شهنشاهنامه، توجه زیادی به آن داشته و همواره احساسات او را تحت تأثیر قرار داده است، سخن گفتن از شهرها و مناطقی است که به واسطه قرارداد ننگین گلستان از ایران جدا شدند. درواقع، هر اندازه که صبا

از شهرهای مرزی ایران نام می‌برد، میزانی از بازتولید مؤلفه‌های هویتی و از جمله هویت جغرافیایی در شهنشاه‌نامه او هویدا می‌شود. کلمه «مرز» در شهنشاه‌نامه، یکی از کلمات پرکاربرد بوده و صبا ۹۸۳ بار این واژه را تکرار کرده است. وی، پیش از انعقاد قرارداد ننگین ترکمن‌چای درگذشت و شکست‌های ایران در دور دوم جنگ‌های ایران و روس را ندید، لیکن جدایی بخشی از سرزمین‌های قفقازی ایران، بر اثر عهدنامه گلستان را دیده و با تکرار مؤکد نام شهرها و زمین‌های از دست رفتن آنها، لشگرکشی‌های متعدد عباس‌میرزا و فتحعلی‌شاه به شهرهای مرزی، حساسیت خود را به این شهرها و مرز و بوم نشان داده است (طاهری‌خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

البته در شهنشاه‌نامه به‌طور مستقیم به قراردادهای ننگین، اشاره‌ای نشده است لیکن، صبا همواره با حسرت در مورد شهرهای قفقاز، سخن می‌راند. جدایی این بخش از خاک ایران، ساکنان آن دیار را در نوعی سرخوردگی ناشی از یاس و ناامیدی گرفتار ساخت. در این ایام خشم و ناخشنودی ایرانیانی که در منطقه قفقاز اسیر پنجه بیگانه شده و آوارگانی که به این سوی ارس پناه آورده بودند، روزبه‌روز فزونی می‌گرفت (امین‌ریاحی، ۱۳۷۸: ۳۱۷). بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که ادبیات ایران در این دوره به شکل بی‌سابقه‌ای از خود واکنش نشان داده است و... ادیبان به صحنه آفرینش‌های ادبی کشانده شده‌اند (بهبودی، ۱۳۷۱: ۱۹). «شعرا، نویسندگان و نثرنویسان این زمان به نوبه خود از مهم‌ترین حوادثی که در مرزهای شمال غربی ایران روی می‌داد، متأثر می‌شدند و آن را در اشعار، نامه‌ها و گزارشات خود منعکس می‌کردند» (بهبودی، ۱۳۷۱: ۳۹). اینک به بررسی واکنش‌های صبا، براساس الگوهای هویتی در شهنشاه‌نامه، پس از تعرض به هر یک از شهرها و مرزهای ایران می‌پردازیم.

۳-۱- مرز گنجه

در سال ۱۲۱۸ هـ، سردار روسی ژنرال پاول سیسیانف، گنجه را تصرف کرد. مردم مقاومت زیادی از خودشان نشان دادند اما سرانجام خیانت یکی از اطرافیان خائن جوادخان، حاکم گنجه، به نام نصیب‌بیگ شمس‌الدین‌لو با عده‌ای از آرامنه ساکن گنجه، منجر به گشودن دروازه شهر شبانه به روی سپاه روس شد و با قتل‌عام مردم، گنجه فتح شد و سیسیانف آنجا را مرکز ستاد نیروی خود قرار داد (شمیم، ۱۳۸۴: ۸۶).

صبا، در این جنگ، بر روس‌ها نهیب می‌زند که: به یزدان پرستان نهادند تیغ / ییزدان نکردند شرم ای دریغ (صبا، ۱۸۶۷: ۶) و می‌گوید چنان قتل‌عام و نسل‌کشی بر مردم گنجه تحمیل شد که در ناف هیچ مادری، جنینی باقی نماند (صبا، ۱۸۶۷: ۶). صبا برای

از دست رفتن این شهر و ویرانی گنجه که به آتش کین روس‌ها، تر و خشک آن سوخته شد، نوحه‌سرایی کرده و می‌گوید: کزین بوم ویرانه باقی نماند/ که بومی تواند بران نوحه خواند (صبا، ۱۸۶۷: ۶). عباس میرزا، شهریار قهرمان ایران، به سوی مرز گنجه می‌شتابد و صبا یکی از زیباترین ابیات شهنشاهنامه را بدو تقدیم می‌کند و این‌گونه می‌سراید: خنک بخت آن مرز کاین مرزبان/ کند سروبن سایه‌گستر دران (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰). فتحعلی‌شاه نیز در اوایل ربیع‌الاول (۱۲۲۰هـ) از چمن سلطانی به کنار ارس رفته و عباس میرزا نیز قوای خود را آماده کرده است و برای حمله و فتح گنجه مهیا می‌شود. سیسیانف چند دسته از سپاه خود را به محافظت پل خداآفرین (بر سر راه گنجه) گماشت و خود در نزدیکی قلعه پناه‌آباد (شوشی) موضع گرفت (شمیم، ۱۳۸۴: ۸۸). صبا که از نزدیک این قضایا را شاهد بوده می‌گوید: به کهسار افتان و خیزان شدند/ به شوشی دژ اندر گریزان شدند (صبا، ۱۸۶۷: ۶۸). در این نبرد، قلعه شوشی به تصرف قوای ایران درآمد. عباس میرزا فراریان روس را در جنوب گنجه به محاصره انداخت و پس از اسیر کردن آنان به سرعت به طرف گنجه پیش رفت (شمیم، ۱۳۸۴: ۸۹). تأسف صبا در ابیاتی که خیانت یکی از سرداران سپاه ایران به نام ابراهیم‌خان - بعد از حرکت عباس میرزا به طرف گنجه - که قلعه شوشی را به روس‌ها تسلیم کرد، قابل تأمل است. صبا، ابراهیم‌خان را پیری می‌داند که روی از رای یزدان تافته، چون آزر به بتگری پرداخته، به پیری به راه اهریمن ریمن ساخته و دل از بیم کیهان خدیو افراخته (صبا، ۱۸۶۷: ۶۹). کوشش و پایداری ایرانیان، با وجود مقاومت زیاد، بی‌نتیجه ماند.

صبا مقاومت ایرانیان، برای حفظ خاک وطن، و دفاع از جغرافیای هویتی خود را به زیبایی به تصویر می‌کشد: دلیران ایران زهندی حسام/ برارند کودک ز زندان مام/ دران در نمانند یک تن به جای/ چنین دارد ایرانی آیین و رای (صبا، ۱۸۶۷: ۷۱) و در ابیاتی تأسف خود را از این شکست ابراز می‌دارد: سراینده چون سربه‌سر راز گفت/ برش راز دل خستگان بازگفت/ بنالید زار و پیچید سخت/ فرو ریخت خون از مژه لخت لخت (صبا، ۱۸۶۷: ۷۱) و این‌گونه پایداری و کوشش ایرانیان در جبهه گنجه نیز بی‌نتیجه ماند: بدین سان گرفتند مر گنجه را/ به یغما گشادند سرپنجه را (صبا، ۱۸۶۷: ۶). صبا تألم خود را از این اتفاق شوم، این‌چنین بیان می‌کند: چنان گردش گنبد لاژورد/ ز خاکی نهادان برآورد گرد (صبا، ۱۸۶۷: ۶).

تسلط قوای روس بر گنجه، آثار بسیار وحشتناکی بر جای گذاشت. آنها بلافاصله بعد از اشغال این مناطق کوشیدند فرهنگ بومی و هویت ملی را نابود سازند. این روال



از گرجستان آغاز شد و حتی تکلم به زبان گرجی ممنوع شد. وقتی گنجه به تصرف روس‌ها درآمد نام آن را به الیزابت پل تغییر داده تا ماهیت بومی و ملی مرزهای هویتی ایرانیان را از بین ببرند. اشعار صبا در توصیف شکست گنجه در نوع خود کم‌نظیر است. اندوه وی در این واقعه، شعر حماسی را به مرثیه‌ای سوزناک تبدیل کرده است.

۳-۲- مرز عسکران

قبل از نبرد گنجه، جنگ شدیدی در عسکران (قلعه عسکران در شمال غربی شوشی واقع شده است)، نزدیک شوشی (قرباغ کوهستانی) - بین قوای ایران و روس درگرفت و منجر به شکست روس‌ها و تصرف قلعه شوشی شد. در این جنگ عباس میرزا با شجاعت و درایت تمام، عده زیادی از سربازان روس را به اسارت گرفت. صبا در توصیف این نبرد، ایرانیان را هژبران غرانی می‌شمارد که با لطف یزدان پاک، بر عفریت‌ساران روس می‌تازند (صبا، ۱۸۶۷: ۶۹) و چنین تصویر می‌کند: زمین همچو دریای قطران شده/ فلک طیلسان‌ساز مطران شده (صبا، ۱۸۶۷: ۶۹). صبا غیرت، وطن‌دوستی و هویت دینی ایرانیان را عاملی می‌داند تا بر سپاه روس‌ها که با پیشرفته‌ترین تجهیزات هجوم آورده و چون گرگان جنگی تیزچنگ مقاومت کنند، یورش آورده و این غول‌رویان عفریت رأی را به کوه و دره فراری دهند (صبا، ۱۸۶۷: ۷۰). صبا در جواب سپاه روس که گفتند: به خواهندگی سوی ایران شدیم/ به کام نهنگان و شیران شدیم (صبا، ۱۸۶۷: ۷۸)، با افتخار از ایران و شیران ایرانی سخن می‌گوید: بلی هر که آهنگ ایران کند/ زمانه تنش خورد شیران کند (صبا، ۱۸۶۷: ۷۸). این احساسات ناسیونالیستی و دینی صبا، که براساس نمودارهای هویتی جنکینز، همواره ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها خودی را برتر از دیگری می‌داند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳)، در این اشعار گویاست. باید گفت که در این مناطق اسلام و ارزش‌های اعتقادی، تجلی داشت و بخش عمده هویت مردم را مقوله مذهب تشکیل می‌داد. این وجه از هویت در اندیشه‌های جهاد که قبل، حین و بعد از جنگ‌های روسیه با ایران وجود داشت، مجسم می‌شد. اهالی بومی بیشتر خود را مسلمان می‌دیدند، به همین دلیل علایق فرهنگی و دینی در دو سوی رود ارس، همچنان استمرار داشت. بخشی مهم از منطقه، هویت اسلامی داشت و اگر این هویت از آنها گرفته می‌شد، هیچ چیزی نمی‌توانست جایگزین آن شود و هرگونه تلاشی برای یافتن چیزی دیگر در برابر انگیزه‌های دینی باعث تشتت و از هم‌گسیختگی اجتماعی و سیاسی آن سامان می‌شد.

دین و مذهب از دیرباز کانون تعلق خاطر و هم‌بستگی گروه‌ها و جوامع انسانی بوده

و همواره به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هویتی ایرانیان در طول تاریخ، نقش مهمی در تکوین هویت ملی داشته است. حضور دین در تمامی عرصه‌های جامعه از امور فردی و اجتماعی گرفته تا امور سیاسی، حکومتی، جنگ‌ها و... کاملاً آشکار و امری اثبات شده است (شمشیری، ۱۳۷۸: ۴۲).

۳-۳- مرز تفلیس

تفلیس، از مهم‌ترین شهرهای منطقه مرزی شمال غرب، بین دو کشور ایران و روس محسوب شده و بیشترین جنگ‌ها نیز در همین مناطق اتفاق افتاده است. سیسیانف در سال ۱۲۱۵ ه‍.ق به تفلیس حمله و آن شهر را تصرف کرد. صبا هنگام به تصویر کشیدن اشغال تفلیس، مکر و حيله روس‌ها در دست‌درازی به این مرز و بوم را نشان می‌دهد که چگونه در کسوت و لباس بازرگانان، به مدت سه سال به تجارت مشغول بوده اما این زردمویان آتش‌نهاد حيله‌گر، در اندیشه ملک‌گیری و کشورگشایی بوده‌اند (صبا، ۱۸۶۷: ۶). وی در این باره می‌گوید: به بنگاه شیران ایران شدند / گرازان به پرخاش شیران شدند (صبا، ۱۸۶۷: ۳۲). صبا چنان از این تجاوز آشکار به خاک میهن بر می‌آشوبد که در ابیاتی دژخیمان و ناپاکزادان روس را دوزخی خوانده و آنان را: نژاد از یکی مادر و ده پدر / زهی پاکزادان والاگهر (صبا، ۱۸۶۷: ۶) می‌خواند و این لشگر شوم‌پی، این‌گونه تفلیس را تسخیر می‌کنند: به تفلیس از در به ریو و فسوس / سپاهی برآمد ز سالار روس... / نهاده مر این لشگر شوم پی / پی مرز ایران در این بوم پی (صبا، ۱۸۶۷: ۶). صبا از دست رفتن مرزهای هویتی را چنان دردناک می‌داند که تفلیس را همچون ویرانه‌ای می‌بیند که دشمن متجاوز همچون جغدی شوم، در آن آشیان گرفته است.

به‌رغم جدایی این مناطق، مردم بومی هیچ‌گاه، با مهاجمان روس به همدلی نرسیدند، زیرا پایه‌های هویتی آنها از اساس با یکدیگر تفاوت داشت. بنابراین می‌توان اذعان داشت، جنگ مزبور شکستی خردکننده برای طرف ایرانی به شمار نمی‌آید؛ زیرا ایران هرگز پایگاه معنوی خود را در منطقه از دست نداد. بر عکس این روس‌ها بودند که نتوانستند بر قلوب مسلمانان و حتی غیرمسلمانان آنجا حکومت کنند و در نتیجه شکست خوردند. حماسه‌هایی که در طول این جنگ‌ها و حتی جنگ‌های بعدی شکل گرفت، مبین همدلی عمیق مردم منطقه با توده‌های ایرانی بود و بدیهی است که این همدلی‌ها همچنان ادامه دارد.

۳-۴- مرز ایروان

ایروان نیز از جمله شهرهایی بود که توسط سپاه روس، پس از تصرف شکی و

گنجه - به علت بی‌توجهی فتحعلی‌شاه به این منطقه و حکام آن در اعزام قوای کمکی - تسخیر شد: وزانجا در اندیشه ایروان/ ره قیردان بسته تا قیروان (صبا، ۱۸۶۷: ۶). در جمادی‌الاول سال ۱۲۲۳هـ، گوداوچ، سردار روس، جنگ را شروع کرد و در نهم آن ماه، قوای خود را از طرف قراباغ به سمت ایروان سوق داد و این شهر را به محاصره انداخت. در این جنگ با پشتیبانی سواران جلایری و افشار، که از جانب آرات پیش آمدند، قلعه شهر را نجات دادند و سپاه روس، با حالت شکسته و پس از تلفات زیاد عقب نشست و غنایم بسیار به دست سپاه ایران افتاد (شمیم، ۱۳۸۴: ۹۰). عباس میرزا که در این زمان فتنه گنجه را تا حدودی سامان بخشیده بود، به سرعت به سمت ایروان روانه می‌شود (صبا، ۱۸۶۷: ۹۸). عباس میرزا و سپاهیان، گشاده‌جبین و انوشه‌روان از گنجه راهی ایروان شده و به علت طولانی بودن راه، خطر کرده و راهی کوتاه - که به تعبیر صبا، هفتخوان عباس میرزا نام دارد - را انتخاب می‌کند (صبا، ۱۸۶۷: ۶۸).

عباس میرزا پس از گذر این دوزخ، بهشتی (حومه ایروان) بر وی آشکار شده که توسط روس‌ها تسخیر شده بود (صبا، ۱۸۶۷: ۹۸). در این منطقه ناپاکان روس، یکایک از بیشه‌ها آشکار شده و مانند گرازان جنگی با گاز، جنگ با ایرانیان را ساز کردند (صبا، ۱۸۶۷: ۹۹). صبا در توصیف این نبرد، تصویری بسیار زیبا خلق می‌کند و چنین می‌سراید: زشش سویلان تیغها آختند/ تکاور بران روسیان تاختند/ دو لشگر چو گرگان دژخیم‌خوی/ فتادند یک بر دگر از دوسوی/ سنانها بسی سینه سفتند باز/ دران سفته خنجر نهفتند باز (صبا، ۱۸۶۷: ۹۹). صبا دست یافتن به مرزهای هویتی ایران‌زمین را خیالی برای متجاوزان روس می‌داند و زیباترین اشعار، در وطن‌پرستی و غرورآفرینی ایرانیان را هنرمندانه از زبان دشمن - اشپخدر - می‌سراید (۴).

۳-۵- مرز کاسه‌رود

در این نبرد طایفه ترکان تکه، از توابع خیوه (ترکمنستان امروز) از مرز کاسه‌رود، قصد راهزنی و تجاوز به خاک ایران‌زمین را داشته و شاهزاده محمدولی‌خان فرمان‌فرمای خراسان، یکی از سرداران خود به نام حسین‌خان قاجار را به جنگ آنان می‌فرستد. سردار ایرانی، قبل از جنگ شروع به راز و نیاز می‌کند و از دادار پاک در این کارزار، پیروزی می‌خواهد (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰۷). آنگاه جنگی سخت میان دو سپاه در می‌گیرد. صبا نبرد گردان ایران‌زمین را شجاعانه تصویر می‌کند و دشمنان متجاوز به هویت ایرانیان را آتشی می‌داند که توسط گردان ایران‌زمین به دود مبدل شده‌اند. آنگاه با غرور تمام از پیروزی، این اشعار را می‌سراید: به شمشیر گردان ایران‌زمین/ فکندند

تارک ز ترکان به کین / ز جنگی سواران ایران هزار / سر افتاده در عرصه کارزار / گریزان سوی کاسه‌رود آمدند / چو آتش شدند و چو دود آمدند (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰۷). تأکید صبا بر حفظ مرزهای هویتی ایران، با تأکید بر هویت دینی، همچون نیایش سرداران و راز و نیاز آنان در این جنگ به وضوح قابل مشاهده است.

۳-۶- مرز انزلی

یکی از سرداران ایران به نام میرزاموسی منجم‌باشی، به دستور شاه، با (شیپوف) - سردار روس - که با کشتی از سمت انزلی به ایران هجوم آورده، وارد جنگ شده و مأمور می‌شود تا پیشروی وی را متوقف کند. وی علاوه بر جمع‌آوری دلیران دیلم، نیروهای دژ زنگان و سربازان اتابک دیلمی را نیز به سپاه خود مزید کرده و آنان را به دیده‌بانی دریا مأمور می‌کند. تا این‌که کشتی‌های روس، همچون کوهی از آتش بر دریا از راه می‌رسند. صبا می‌گوید: که بر انزلی روسیان تاختند / ز هر در درفشی برافراختند (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰۹). روسیان بر هر سرایی آتش کینه افروختند و همه جا را ویران ساختند. در این حال سربازان دیلمی بدون داشتن هراسی در دل، خروشان همانند دریای نیل، به آهنگ کین خواستن، به سپاه سرخ‌زن‌نوران روسی حمله بردند.

دلیران ایرانی در دو سوی بیشه‌ای کمین می‌کنند و بدان دیو نستوه - شیف - و سپاهش کمین گشوده و آن ژرف‌رود را همانند دریای قیر، از خون دشمن، تیره و تار کردند. بیش‌تر از ششصد گرد روسی در آب سوختند و کفنی جز کام ماهی ندیدند (صبا، ۱۸۶۷: ۱۱۰). صبا در توصیف پایان جنگ، چنان‌که شایسته ایران و ایرانی است، می‌گوید: ز سیصد فزون روسی پرگزند / سر از تن بردند چون گوسفند / به کشتی ازان بیشه روسی سپاه / هراسان و لرزان گرفتند راه (صبا، ۱۸۶۷: ۱۱۰). صبا در بیتی زیبا و با توجه به تعلق سرزمینی و جغرافیای هویتی خود، برای بیشه وطن فقط یک شیر را لایق می‌داند: چو شیران درانجا نهادند گام / یکی شیر را بیشه باشد کنام (صبا، ۱۸۶۷: ۱۱۰).

۴- آوردن نام سرزمین ایران زمین به‌عنوان نمادی از هویت جغرافیایی

هویت ایرانی قبل از هر چیز با مفهوم ایران و ایران‌شهر مقارنت پیدا می‌کند. مفهوم ایران دو معنای نژادی و جغرافیایی را در خود دارد که چه در دوران اسطوره‌ای و چه اعصار تاریخی، تأثیر مهمی در قوام بخشیدن به حیات جمعی، انسجام جغرافیایی و تمرکز سیاسی این مرز و بوم داشته است (صدر، ۱۳۷۷: ۲۰). شاید بتوان گفت «سرزمین» که وجود آن با هستی و نیستی کیان ایرانی پیوند دارد، در میراث ادبی تاریخی و مذهبی ایران از دوره باستان شاخص‌ترین ویژگی و نشان هویت ایرانی قلمداد شده است.



در شهنشاها نامه صبا تکرار نام «ایران»، مؤلفه‌ای برای بازتولید هویت ملی در این اثر است. صبا هر جا که لازم باشد از زبان دشمنان نیز به تولید این مؤلفه‌ها می‌پردازد. پس از آن که عباس میرزا در یک نبرد سنگین و سخت، دلاوری‌های فراوانی را از خود نشان می‌دهد و سپاه ایران در این نبرد نزدیک بر روس پیروز می‌شود، صبا از زبان اشپخدر شروع به سرزنش سپاهیان روس و تمجید سرزمین ایران می‌کند و می‌گوید: نگفتم که این مرز ایران بود / کنام پلنگان و شیران بود / نگفتم به ایران چو جنگ آوری / همه نام خود زیر ننگ آوری (صبا، ۱۸۶۷: ۳۰). صبا در برخی از اشعار خود با آوردن نام مکان‌های ملی، در واقع به حفظ و تحکیم هویت ملی توجه می‌کند. از جمله این مکان‌ها می‌توان به خزران (دریای خزر)، رود ارس و... (۵) اشاره کرد.

۵- علاقه‌مندی به یکپارچگی سرزمین و داشتن تمایل به دفاع از مرزها

محیط جغرافیایی یک ملت، همواره از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل هویت ملی و همان تبلور فیزیکی، عینی و ملموس هویت ملی به شمار می‌آید. پس از آن و هنگامی که این محدوده جغرافیایی شکل گرفت، طبعاً هرگونه تجاوز و تعدی به این محدوده با واکنش‌های شدید ساکنان همراه بوده و ایستادگی و مقاومت در برابر این حملات و تجاوزها را از وظایف اصلی خود می‌دانند. هنگامی که سپاهیان ایران به فرمان عباس میرزا، به مرز ارمن اعزام می‌شوند، از هر سرزمینی، نیروهای ایرانی جمع شده و آماده نبرد در این منطقه می‌شوند. ایجاد تمایل در قشون ایران در این دوره از جنگ‌ها، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد از دو عامل مهم نشأت می‌گرفت: یکی شعر حماسی شاعران این دوره و دیگری فتاوی‌های علمای دین. صبا این عامل حیاتی را به زیبایی در اشعار خود مطرح می‌کند و تمام شهرها و مناطق ایران زمین را برای جنگ بسیج می‌کند. (۶)

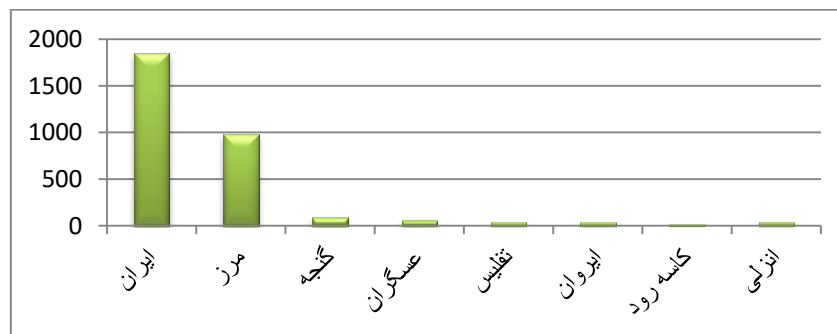
۶- رویکرد و نگرش مثبت به سرزمین خودی

همواره میان کشور ایران و ساکنانش ارتباط عاطفی و پیوندی خلل‌ناپذیر وجود دارد. از عوامل ایجادکننده این پیوند، با وجود همه مشکلات، عشق و علاقه مردمان به ایران زمین و تمدن دیرینه و اصیل آن می‌تواند باشد. صبا در تمامی اشعار خود، همواره تصویری مثبت و موجه از سپاه و فرماندهان و سرداران ایرانی ارائه می‌کند. او همواره با یادآوری اسطوره‌های ملی و میهنی، تصویری مطلوب و گذشته‌ای اصیل و باشکوه را ترسیم می‌کند. صبا حتی دشمنان را مجبور می‌کند که با احترام و افتخار نام ایران زمین را بر زبان آورده و از آن به نیکی یاد کنند.

هنگامی که اشپخدر روس، از آهنگ لشگرآرایی ایران به فرماندهی عباس میرزا آگاهی می‌یابد، به سپاهیان خود می‌گوید: ایران کشوریست دارای برو بوم خوش و قدرتمند که آهنگری در آن ضحاک را می‌کشد (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰) و در ادامه می‌گوید: کزین گفت بیهوده دم درکشید / بدین مرز آهسته باید چمید/ که دارند شیران به ایران کنام/ به بنگاه شیران مجوید کام (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰). (۷)

سرزمین و مرزهای جغرافیایی ایران، هرچند که در طول تاریخ، همواره مورد تهاجم‌های کوچک و بزرگ اقوام بیگانه قرار گرفته و از نظر مختصات جغرافیایی تغییرات بسیاری به خود دیده است؛ اما کانون محوری و هویت فرهنگی و ملی ایرانی آن، همچنان محفوظ مانده است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

واقعه جنگ، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایل پرداختن شعرا به شعر حماسی است. در واقع شاعر جنگ، آنگاه که میدان نبرد را توصیف می‌کند و رخدادهای کارزار را به تصویر می‌کشد، بی‌شک سبک و بن‌مایه‌های حماسی جلوه‌گر می‌شوند. گاه این بن‌مایه‌های حماسی می‌تواند در کاربرد برخی واژگان تجلی یابد. در این میان بسامد بهره‌گیری شاعر از واژگان، میزان توجه فکری و دغدغه‌های روحی او را نمایان می‌سازد. براساس نمودار زیر استفاده صبا از واژگانی چون مرز، ایران و تکرار شهرهای مرزی منطقه قفقاز، که توسط روسیه تزاری اشغال و جدا شدند، نمایان‌گر توجه او به مؤلفه‌های جغرافیایی هویت ملی در شهشنه‌نامه است.



نتیجه گیری

مجموع یافته‌های نظری و تجربی این پژوهش نشان می‌دهد، هویت ملی هر ملتی زاینده‌ی محیط جغرافیایی آن ملت است و تا سرزمینی وجود نداشته باشد و زمانی گذر نکرده باشد نه فرهنگی ساخته می‌شود و نه بستری برای تشکیل هویت شکل می‌گیرد. این بستر را می‌توان هویت جغرافیایی سرزمین ایران دانست که در هویت‌سازی و تداوم بخشیدن به هویت ملی ایرانی نقشی به سزا دارد. زمینه توجه به مقوله هویت ملی و برجسته‌کردن عناصر برپادارنده‌ی این هویت در نیمه نخست دوره قاجار، بیش از هر چیز، جنگ‌های ایران و روس بود. در پی جدایی شهرهای قفقازی، روحیه حسرت و ناامیدی در میان ساکنان آن سرزمین‌ها شکل گرفت. به دنبال آن، شاعران عصر قاجار، همگام با تحولات اجتماعی ایران، پس از شکست در جنگ‌های روس، وارد عرصه آفرینش‌های ادبی شدند و شعر عصر قاجار را به تجربه‌ای جدید در ورود به مسائل اجتماعی - سیاسی و واکنش به حوادث مهم عصر واداشتند. تکرار فراوان واژه ایران در شهنشاه‌نامه (۲۳۵۰ بار)، واژه مرز (۹۸۳ بار) و یادآوری پی‌درپی نام شهرهای مرزی (گنجه: ۹۲ بار، عسگران: ۵۸ بار، تفلیس: ۴۳ بار، ایروان: ۴۱ بار، کاسه‌رود: ۳۲ بار و انزلی: ۱۸ بار) و توصیف لشگرکشی‌های مستمر سپاه ایران توسط شاعر، خود نشانگر حساسیت، تعصب و اندوه درونی وی نسبت به این شهرهاست. بسامد بالای این واژگان نشان می‌دهد، یکی از ابعاد اصلی هویت ملی ایرانیان در شهنشاه‌نامه، تعلق خاطر و وابستگی به حوزه جغرافیایی ایران‌زمین است. در این راستا باید توجه داشت که نخستین گام برای ایجاد یک نظام سیاسی واحد، تعیین مرزهای جغرافیایی مشخص و دفاع از آن در برابر تهاجم بیگانگان است. تغییر مرزهای ایران در شهنشاه‌نامه در پی جنگ‌های ایران و روس در نیمه اول قرن سیزدهم هجری، در شمار مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر ایران است؛ چراکه پیامد این کشمکش‌های پر دامنه، مبدأ تحولات گسترده‌ای در کشور ما می‌شود. تا قبل از این جنگ‌ها، حساسیت خاصی بر مرزها و تعیین سرحدات ایران نبود، اما جدایی شهرهای مهمی چون: گنجه، ایروان، تفلیس، گرجستان، قزاق و... ایرانیان را نسبت به حفظ هویت جغرافیایی خود به شدت حساس و مصمم کرد. البته باید گفت ایران زمان قاجار ارتش منظم و آماده‌ای نداشت تا در هنگام وقوع جنگ‌ها بتواند از ایران دفاع کند. به همین دلیل ضرورت ورود نیروهای مردمی به جنگ احساس شد. این ارتش تحت فرماندهی عباس میرزا تشکیل و



راهی میدان نبرد شد. نقش علمای مذهبی نیز در برانگیختن مردم به مقابله با تجاوزگری روس‌ها بسیار حائز اهمیت بوده است. واکنش علماء به این جنگ‌ها و فتاوی‌ای جهاد بر علیه روس‌ها موجب تحریک احساسات دینی و ملی مردم ایران برای دفاع از خاک وطن شد. صبا هر جا که نام ایران را در شهنشاهنامه ذکر می‌کند، همواره غرور و وطن‌دوستی خود را نسبت به کشور ابراز می‌دارد. جدا شدن هفده شهر از شهرهای منطقه قفقاز از کشور ایران توسط همسایه متجاوز شمالی و محدود کردن این شهرها تا رود ارس و پرداختن اکثر شاعران این دوره از قبیل قائم‌مقام فراهانی، خاوری، وصال، هیدجی، صبا و... به سرایش ادبیات پایداری و شعر ضد اشغالگری، عاملی است تا دریابیم برخلاف تصور رایج، اندیشه ایران‌شهری و هویت ملی مربوط به دوره مشروطه نبوده و البته ریشه‌های آن را باید در دوره فتحعلی‌شاه جست‌وجو کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- مجموعه فتوای علمای برای اعلام جهاد با قوای روس را میرزاعیسی قائم‌مقام فراهانی در قالب کتابی با عنوان «احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد» گردآوری کرد.
- ۲- برای اطلاع بیشتر رج شود به: (شفق رضازاده، ۱۳۱۵: ۱۸۹ و آریین‌پور، ۱۳۷۵: ۲۳) و (مؤتمن، ۱۳۷۱: ۱۰۹).
- ۳- نظامی گنجوی - و بعدها خاقانی - نیز در منظومه اسکندرنامه، شرح مبسوطی بر جنگ‌های ایران و روس داشته و روایتی از دفاع سربازان دلیر ایران، به‌ویژه مردم میهن‌دوست قفقاز از حریم کشورمان سروده است. باید گفت نظامی نخستین شاعر سپیده‌دم شعر پایداری است که در باب هجوم روس‌ها به ایران، به واکنش برخاسته است.
- ۴- دم اژدها در سپردن به کام/ به بنگاه شیران گزیدن کنام/ دریدن به کهسار چرم پلنگ/ به دریا شدن در به کام نهنگ/ گرفتن به تک بیشی از آسمان/ نهادن به زنجیر پای زبان/ بس آسان تر از یاد ایران زمین/ که یادش بود دشنه زهر کین (صبا، ۱۸۶۷: ۱۰۲).
- ۵- ز خزرانیان کشت چندان به کین/ که دریای خزران شد از خون زمین (صبا، ۱۸۶۷: ۱۴) و نیز بیت: به هشتم چو دریا ز رود ارس/ گذر کرد دارای فریادرس (صبا، ۱۸۶۷: ۲۵).
- ۶- سراسر جهان شد کنام هزبر / تو گویی بجوشید از خاک بیر
 نبرده سواران با شاخ و یال / به چنگ اندر از چرم شیران دوال
 ز هر بنگهی از عراق گزین / سواران به ختلی نهادند زین
 ز ترکان بسی اژدهای دژم / چو تنین جهانسوز هر تن بدم
 ز مازندران بس یل تیز چنگ / چو نر اژدها آتش افشان به جنگ
 ز گرگان چو گرگان سواران هزار / به پرنده دیوان همه دیوخواوار
 به سیم و به زر پیکر آراسته / سلیح نبرد از زر آراسته
 هزبران جنگی چو نر اژدهای / به درگاه دارای رزم آزمای
 رسیدند از هر بنه فوج فوج / پیایی به دریای جوشان چو موج
 چو ماهی ز نوروز پیروز رفت / به پیروزی آن شاه را روز رفت

(صبا، ۱۸۶۷: ۵۸)

- ۷- صبا در تعریف از سرداران سپاه «نصرت» از سرداران ایرانی که همراه و در رکاب خسرو کشورستان (عباس میرزا) هستند، می‌گوید:

دلبران ایران و گردان تور / گراتر ز پیل و فزونتر ز مور
 به بازو همه خام هفتاد خم / به نیرو چو نر اژدهای دژم
 ز زرین تکاور گزیدند کاخ / ز خون دلاور گرفتند شاخ
 به هامون هزاران سواران گو / دریده دل شیر گردون به غو
 فروبسته هر سوز تاریک گرد / یکی پرده بر گنبد لاجورد
 هزاران سپه کش چو افراسیاب / کله گوشه از پایه بر آفتاب
 به تن همچو سندان آهنگران / چو سوزنده آتش در آهن نهران
 چو ناورد با سنگ خارا کنند / ز دل راز خویش آشکارا کنن

(صبا، ۱۸۶۷: ۶۴)

منابع

- آذربیدگلی، لطفعلی بیگ (۱۳۷۸)؛ *آتشکده آذر*، نیمه دوم، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۸)؛ *از صبا تا نیما*، تهران: انتشارات زوار.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ *ایران: هویت، ملیت، قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- (۱۳۹۰)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- اشرف، احمد (۱۳۷۳)؛ «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، *مجله ایران نامگ*، س ۱۲، ش ۴۷، صص ۵۵۰-۵۲۱.
- امین ریاحی، محمد (۱۳۷۸)؛ *تاریخ خوی*، تهران: طرح نو.
- ایوری، پیتر (۱۳۸۹)؛ *جنگ و صلح در ایران دوره قاجار*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- بهبودی، هدایت اله (۱۳۷۱)؛ *ادبیات در جنگ های ایران و روس*، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ *هویت ایرانی، فرصت ها و چالش ها*، در مجموعه هویت ملی در ایران به کوشش داود میرمحمدی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۲)؛ *تاریخ روابط روس و ایران*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۳)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- حاجیبانی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۷۲-۵۵.
- حمیدی شیرازی، مهدی (۱۳۶۴)؛ *شعر در عصر قاجار*، تهران: گنج کتاب.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۱)؛ *هویت ملی*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۸۱)؛ *فردوسی و هویت شناسی ایران* (مجموعه مقالات) تهران: نشر طرح نو.
- رضازاده شفق، صادق (۱۳۱۷)؛ *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۳)؛ *مفهوم شناسی هویت ملی*، هویت ملی در ایران به اهتمام داوود میرمحمدی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- شمشیری، بابک (۱۳۷۸)؛ *درآمدی بر هویت ملی*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۴)؛ *ایران در دوران سلطنت قاجار*، تهران: زریاب.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)؛ *مبانی و بسترهای وحدت ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صبای کاشانی، فتحعلی خان (۱۸۶۷)، *شهنشاها نامه*، انتشارات: بمبئی.
- صدر، ضیاء (۱۳۷۷)؛ *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*، تهران: اندیشه نو.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۴)؛ *حماسه سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- طاهری خسروشاهی، محمد (۱۳۸۸)؛ *فصل های تاریکی جنگ های روس با ایران در شعر فارسی*، تهران: تمدن ایرانی.
- (۱۳۹۰)؛ «ادبیات پایداری در شعر دوره قاجار»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۲، ش ۴۶، صص ۱۵۶-۱۳۲.

- قائم‌مقام فراهانی، میرزاعیسی (۱۳۸۰): *احکام الجهاد و اسباب‌الرشاد*، به تصحیح و مقدمه تاریخی غلامحسین زرگری نژاد، تهران: بقعه.
- کریمی، علی؛ بلیاسی، میثم (۱۳۶۸): «لایه‌های هویت ملی ایران در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی* س ۵، ش ۱۸، صص ۱۷۵-۱۵۸.
- کسروی، احمد (۱۳۵۷): *شهریاران گمنام*، تهران: امیرکبیر.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱): *جهانی‌شدن فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- لنگرودی، شمس (۱۳۷۵): *مکتب بازگشت (بررسی دوره‌های افشاریه زندیه و قاجاریه)*، تهران: مرکز.
- محرابی، علیرضا (۱۳۸۵): *ژئوپلیتیک و تحول اندیشه حکومت در ایران*، تهران: انتخاب.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹): *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: فرزانه.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱): *دایره‌المعارف فارسی*، انتشارات فرانکلین: به کوشش نشر امیرکبیر.
- معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳): *هویت: تاریخ و روایت در ایران، هویت، ملیت، قومیت*، به اهتمام حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۷۱): *تحول شعر فارسی*، تهران: طهوری.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹): *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر، تهران: نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳): *ملیت*، ترجمه داود غرایاق‌زندی، تهران: تمدن ایرانی.
- نجفی، موسی؛ فقیه‌حقانی، موسی (۱۳۸۴): *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نجمی، شمس‌الدین (۱۳۹۵): «مطالعه‌ای در چگونگی برقراری امنیت و بازسازی کرمان پس از حمله آقامحمدخان قاجار»، *پژوهش‌های تاریخ‌های محلی ایران*، س ۵، ش ۲، صص ۲۷۵-۲۵۵.
- Anderson, M (1996); *Frontiers: Territory and Stat Formation in the Modern World*, Oxford: Polity Press.
- Casteld M (1997); "The Power of Identity, the economy", *Society and Cultuer*, Oxford: Blachwell.
- Simon, Bernd (2004); *Identity in modern society: a social psychological perspective*, London: Blachwell Publishing.